

ORIGINAL ARTICLE

Explanation and Critical Examination of Human Agency in Mulla Sadra's Philosophy Based on the Islamic Theory of Action

Najma Ahmadabadi Arani

Ph.D in philosophy of education
District 7 primary teacher, Tehran,
Iran.

Correspondence

Najma Ahmadabadi Arani

Email:

najmeh.ahmadabadi@gmail.com

How to cite

Ahmadabadi Arani, N. (2024).
Explanation and Critical Examination of
Human Agency in Mulla Sadra's
Philosophy Based on the Islamic Theory
of Action. SADRĀ'Ī WISDOM, 13(2),
17-27.

ABSTRACT

Given the importance of action in Islamic philosophy, this component is vague and discussed only briefly in Mulla Sadra's view. Based on this, the present research aims to take steps towards increasing fundamental knowledge after explaining the concept of human agency in Mulla Sadra's philosophy with a critical perspective grounded in the Islamic theory of action. Conceptual analysis and critical research methods have been employed to achieve the research objectives. The results indicate that in his various works, Mulla Sadra has expressed the process of action in different interpretations without a uniform expression. However, if we want to present a conceptual and integrated model regarding human agency in Mulla Sadra's view, we can refer to three epistemic, desiderative and volitional principles. Considering that Mulla Sadra has followed Aristotle in arranging the components of human agency, his belief about the certainty of causal relationships in the realm of human action has gone beyond Aristotle's belief as well. In this perspective, the requirement of a causal and sequential relationship, the will preceded by a strong desire, and the will preceded by reflection are among the most important positions of this discussion. Accordingly, human agency in Mulla Sadra's philosophy can be critically examined from the perspective of the Islamic theory of action, including the reduction of will to strong desire, the reduction of will to reflection, and the formality of will.

KEYWORDS

principles of education, human agency, anthropological foundations, Mulla Sadra, Islamic theory of action.



نشریه علمی

دو فصلنامه حکمت صدرايي

«مقاله پژوهشی»

تبیین و بررسی انتقادی عاملیت انسان در فلسفه ملاصدرا بر مبنای نظریه‌ی اسلامی عمل

نجمه احمدآبادی آرانی

چکیده

با توجه به اهمیت عمل در فلسفه اسلامی این مؤلفه اما در نگاه ملاصدرا میهم و به اجمال بحث شده است. بر این مبنای، این پژوهش درصدد است پس از تبیین مفهوم عاملیت در فلسفه ملاصدرا با نگاه انتقادی بر مبنای نظریه اسلامی عمل بپردازد تا گام‌هایی در جهت افزایش دانش‌های بنیادین بردارد. جهت نائل شدن به اهداف پژوهش از روش تحلیل مفهومی و روش پژوهش انتقادی استفاده شده است. نتایج پژوهش بیانگر آن است ملاصدرا در آثار مختلف خود، فرایند عمل را در تعبیرهای متفاوتی بیان نموده است و به یک نحو بیان نشده است اما اگر بخواهیم یک مدل مفهومی و ادغامی در باب عاملیت انسان در دیدگاه ملاصدرا اشاره کنیم می‌توان از سه مبدأ معرفتی، میلی و ارادی نام برد. با عنایت به اینکه ملاصدرا در چینش مؤلفه‌های عاملیت انسان از ارسطو تبعیت کرده است لذا باور ایشان در باب قاطعیت روابط علی در عرصه عمل انسان از باور ارسطو نیز فراتر رفته است. در این دیدگاه، ایجاب رابطه علی و تسلسلی، اراده مسبوق به شوق مؤکد و اراده مسبوق به تأمل از مهمترین مواضع این بحث است. بر این اساس، عاملیت انسان در فلسفه‌ی ملاصدرا از منظر نظریه اسلامی عمل، قابلیت بررسی انتقادی دارد از جمله؛ فروکاهش اراده به شوق مؤکد، فروکاهش اراده به تأمل و صوری بودن اراده را می‌توان اشاره نمود.

واژه‌های کلیدی

اصول تربیت، عاملیت انسان، مبانی انسان شناختی، ملاصدرا، نظریه اسلامی عمل.

دکترای فلسفه تعلیم و تربیت، آموزگار مقطع ابتدایی
منطقه ۷، تهران، ایران.

نویسنده مسئول:

نجمه احمدآبادی آرانی

رایانامه:

najmeh.ahmadabadi@gmail.com

استناد به این مقاله:

احمدآبادی آرانی، نجمه (۱۴۰۳). تبیین و بررسی انتقادی عاملیت انسان در فلسفه‌ی ملاصدرا بر مبنای نظریه‌ی اسلامی عمل. دو فصلنامه علمی حکمت صدرايي، ۱۳(۲)، ۲۷-۱۷.

حق انتشار این مستند، متعلق به نویسندگان آن است. © ۱۴۰۳. ناشر این مقاله، دانشگاه پیام نور است.

این مقاله تحت گواهی زیر منتشر شده و هر نوع استفاده غیرتجاری از آن مشروط بر استناد صحیح به مقاله و با رعایت شرایط مندرج در آدرس زیر مجاز است.

Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International license (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>)



<https://pms.journals.pnu.ac.ir/>

مقدمه

منبعث از آموزه‌های اسلامی است به اهمیت عمل انسان اشاره دارند. نظریه‌ی اسلامی عمل، مبنایی انسان‌شناختی است که مبتنی بر آیه‌های قرآن کریم است. در این نظریه، عمل انسان به عنوان گرانگه در تعریف انسان مدنظر قرار گرفته است. در این نظریه، عمل آدمی مبتنی بر ۳ مبدأ شناختی، گرایشی و ارادی است. این ۳ مبدأ باید به ترتیب در انسان به وجود آید تا به ظهور عمل در انسان منجر شود. در این دیدگاه، انسان عاملی است که عمل‌های صادره از او را به وی منتسب می‌سازد. از همین رو، او را در مقابل اعمالش مسئول در نظر می‌گیرند. این دیدگاه به دلیل برخورداری از انسجام فلسفی (ضرغامی، سجادیه و قائدی، ۱۳۹۱، ص ۴۳) ارتباط وثیق آن با منابع اسلامی (باقری، ۱۳۹۰) زایش‌های مکرر آن در عرصه تربیت از جمله درآمدی با فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، جهت مبنایی نقد و بررسی برگزیده شد. همچنین این رویکرد، زمینه‌ای فلسفی برای علوم انسانی اسلامی محسوب می‌شود و منظر انسان‌شناختی ویژه‌ای را بنیان می‌نهد.

پیشینه‌ی پژوهش

در ارتباط با پژوهش حاضر، مطالعاتی نیز صورت گرفته است از جمله: احمدآبادی آرانی (۱۴۰۰) در رساله دکتری با عنوان «بررسی انتقادی و بازسازی عاملیت انسان و اصول تربیتی منتج از آن در فلسفه صدرالمتهالین بر مبنای نظریه اسلامی عمل» به این نتایج دست یافت: مبنایی عمده انسان‌شناختی از دیدگاه ملاصدرا به این نحو صورت‌بندی شده‌اند: حرکت تکاملی نفس، تفوق عقل نظری بر عقل عملی، اراده مسبوق به عقل عملی، ظهور ملکات و ظهور نوعیت‌های فردی، براساس این مبنایی، می‌توان در دیدگاه ملاصدرا از این اصول تربیتی سخن گفت: تقویت تدریجی حرکت تکاملی نفس، قرار دادن عقل عملی در خدمت عقل نظری، پرورش اراده با تقویت عقل عملی، تداوم بر عمل و توجه به تفاوت‌های فردی - در این پژوهش انتقاداتی به عاملیت انسان در فلسفه‌ی ملاصدرا اشاره شد. به تبع انتقادات مطرح شده، در اصول استنتاج شده تغییرات و بازسازی مورد نیاز است از جمله شامل: عقل نظری در خدمت عقل عملی، پرورش اراده مسبوق به انتخاب، توجه به هویت جمعی در کنار هویت فردی

دارائی (۱۳۹۴) در رساله دکتری خود با عنوان «تبیین دیدگاه ملاصدرا درباره فعل ارادی از منظر فلسفه عمل» اذعان می‌کند ملاصدرا از جمله حکمای مسلمان است که به مسائل عمده فعل

مبنایی انسان‌شناختی، محور اساسی و نقطه عزیمت در پژوهش‌های علوم انسانی است. باقری اذعان می‌کند «مبنای انسان‌شناختی به‌منزله‌ی ثقل مرکزی در نظریه‌های مختلف علوم انسانی است. اگر بخواهیم براساس اندیشه اسلامی، راه جدیدی را در علوم انسانی بگشاییم ضرورتی اساسی برای تدوین انسان‌شناسی در این دیدگاه وجود خواهد داشت. این نیاز از آنجا منشأ می‌گیرد که انسان‌شناسی منبع تغذیه‌کننده مجموعه فرضیه‌ها و نیز مدل هدایت‌کننده فعالیت‌ها در ساحت پژوهش علوم انسانی است» (باقری، ۱۳۸۲، ص ۱۱).

با عنایت به اینکه از مسائل اساسی در مبنای انسان‌شناسی، مسئله عمل است، باقری در این زمینه معتقد است «اهمیت عمل در موجودیت انسان تا بدان پایه است که گاه در حد فلسفه خلقت انسان قرار گرفته است. از این رو، خداوند در قرآن اشاره می‌نماید که ساحت حیات و مرگ را به‌وجود آورده تا انسان‌ها نقش خود را انجام دهند و مشخص شود که چه کسی بهتر عمل می‌کند. آیه دوم سوره ملک دلیلی بر این مدعاست «همان کسی که مرگ و زندگی را پدید آورد تا شما را بیازماید که کدامتان نیکوکارتر هستید و اوست ارجمند آمرزنده»^۱ (باقری، ۱۳۹۹، ص ۹۹).

چیستی و چرایی عمل و مفهوم عاملیت از گذشته تاکنون مورد بحث و جدل قرار گرفته و یکی از محورهایی است که فیلسوفان غرب و مسلمان درباره آن اندیشیده‌اند اما در زمینه پاسخ به چیستی و چگونگی این امر، همه فیلسوفان و اندیشمندان هم‌نظر نیستند بلکه اختلاف‌نظرهای جدی در میان آنان وجود دارد که در برخی مواقع دیدگاه‌های آنان را در تعارض و مقابله اساسی با هم قرار می‌دهد لذا روایت‌های مختلفی از عاملیت انسان وجود دارد.

با عنایت به اینکه، در نظریات اسلامی به افعال و عمل انسان به صورت مبسوط‌تر و گاه‌آ پیچیده‌تر توجه شد اما در این میان، ملاصدرا به عنوان اندیشمند مسلمان در باب عمل و اراده انسان، نظریات متفاوت‌تری با سایر فیلسوفان ارائه می‌دهد. علی‌رغم نگاه متفاوت ملاصدرا به مبحث عاملیت انسان، به نظر می‌رسد بی‌اعتنایی ملاصدرا به حوزه عمل در مقابل بعد نظر، در اندیشه او مشهود است، این امر سبب شده است نظریات ملاصدرا در این زمینه با ایرادات و انتقاداتی تأمل‌برانگیز مواجه شود. از دیگر سو، در آموزه‌های اسلامی مؤلفه اختیار و اراده، مقوم عاملیت انسان است و در آیات قرآن کریم به این بعد تأکید شده است (وان لیس للانسان الا ما سعی^۲) و نظریات اسلامی از جمله نظریه اسلامی عمل که

همان‌طور که در پیشینه‌های پژوهشی مطرح‌شده ملاحظه کردیم در ارتباط با آرای فلسفی صدرالمآلهین پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است اما این پژوهش‌ها بیشتر از زاویه توصیفی و تبیینی به مسئله عمل و عاملیت انسان پرداخته است و کمتر از دریچه انتقادی به این مسئله نگاه شده است. همچنین با نظر به آنچه ذکر شد مبانی انسان‌شناسی صدرالمآلهین به سبب ابهام‌ها و اجمال‌هایی که دارد، به دور از چند و چون نیست، از این‌رو، پژوهش حاضر در پی آن خواهد بود برای غلبه بر ضعف‌های احتمالی آن، تلاش‌هایی را به انجام برساند، لذا ضروری خواهد بود که عناصر اساسی عاملیت انسان در دیدگاه ملاصدرا تعیین و بررسی شود. در این راستا، پژوهش حاضر درصدد است پس از تحلیل و تبیین به بررسی انتقادی و بازسازی مفهوم عاملیت انسان بر مبنای نظریه اسلامی عمل بپردازد.

روش پژوهش

از روش‌هایی که در این پژوهش برای پاسخگویی به تحلیل و بررسی عاملیت انسان در فلسفه ملاصدرا مورد استفاده قرار می‌گیرد، روش تحلیل مفهومی (مفهوم‌پردازی) است. روش تحلیل مفهومی بر فراهم‌آوردن تبیین صحیح و روشن از معنای مفاهیم به‌واسطه‌ی توضیح دقیق ارتباط‌های آن با سایر مفاهیم ناظر است و تلاشی در جهت فهم مفاهیم است (کومیز و دینلز، ۱۳۸۸). در این روش، سعی بر آن است تا با تحلیل مفاهیم، موارد صحیح و ناصحیح کاربرد آنها مشخص شود تا بتوان با حذف کاربردهای غلط واژه‌ها، از ایجاد و ظهور مسائل نظری و عملی پیشگیری کرد یا به تعبیر دیگر، مسائل را به جای حل کردن، منحل نمود. تحلیل مفاهیم ممکن است شامل تحلیل عناصر تشکیل‌دهنده‌ی یک مفهوم، ارتباط این عناصر با یکدیگر باشد. همچنین در بررسی انتقادی عاملیت انسان از منظر نظریه اسلامی عمل از روش نقد بیرونی استفاده شده است، چون از طریق این روش انتقادی، می‌توان نقاط ضعف و قوت یک دیدگاه را با توجه به معیارهای داده شده تبیین نمود.

عناصر عاملیت انسان در فلسفه‌ی صدرالمآلهین

مبدأ معرفتی

در زندگی انسان، ادراکات در بروز افعال انسانی، نقش مهمی را ایفا می‌کند. ملاصدرا متناسب با قوای باطنی نفس در مبدأ معرفتی عاملیت انسان، مراتب مختلفی برای ادراک انسان قائل شده است از جمله (حس، خیال، عقل) که می‌تواند نقش خاص خود را در دایره

ارادی انسان که هم‌اکنون ذیل عنوان فلسفه عمل است پرداخته است و تئوری و تبیینی نسبتاً منسجم از عمل ارائه کرده است. از نظر نگارنده رهیافت صدرایی هرچند خالی از کاستی و ابهام نیست چنان‌که نظریه علامه طباطبایی پیرامون فعل ارادی و نقش محوری استعاره و اعتباریات نسبت به اعمال، بسط رهیافت صدرایی در حکمت متعالیه به شمار می‌آید. با این حال به نوآوری، اصولی متقن و قواعد و روشی منسجم مزین است به نحوی که این رهیافت را در نقد و جمع دیگر رهیافت‌های مطرح پیرامون اراده و فعل ارادی توانا کرده است.

دارائی و کرمانی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «خوانشی انتقادی از نسبت خیال و عمل، اندیشه صدرایی در برابر فلسفه عمل مدرن» به این نتایج رسیدند که با مقایسه دیدگاه ملاصدرا و نظریه دیویدسون، معروف به نظریه دوگانه باور-میل می‌توان دریافت که این نظریه در تبیین افعال ارادی انسان جامع و مانع نیست، چراکه به‌واسطه بی‌توجهی به نقش علی خیال و متخیله نسبت به افعال ارادی، تبیینی جامع از اعمال که متأثر از خیال و متخیله بوده‌اند ارائه نکرده است.

علیزاده (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان "تبیین برهم‌کنشی عناصر شناختی، هیجانی و ارادی در فرایند تصمیم‌گیری انسان در پرتو آموزه‌های اسلامی" اذعان می‌کند تبیین رفتارهای ارادی و سازوکارها و قانونمندی حاکم بر نظام تصمیم‌گیری آدمی در طول تاریخ دغدغه اندیشمندان بوده است. فلاسفه زنجیره‌ای معروف برای شکل‌گیری اراده ترسیم می‌کنند که از تصور شروع شده به تصدیق به فایده می‌رسد از آن به شوق و آنگاه شوق اکید عبور می‌کند و در نهایت اراده شکل می‌گیرد. نگارنده در این نوشتار تأکیدی ویژه بر نقش قوه خیال در شکل‌گیری تصور شده است و نیز جایگاه گزاره‌های پایه به‌منظور عبور از تصور به تصدیق به فایده روشن شده است. همچنین یافته دیگر این پژوهش تأثیر عناصر هیجانی و شخصیتی بر عناصر شناختی است به بیان کامل‌تر بر تأثیر دو سوپه عناصر شناختی و هیجانی تأکید شده است.

سلیمانی دره‌باغی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «جایگاه عمل در وجود انسان از نگاه ملاصدرا» به این نتایج رسید؛ یکی از مسائل مهم در مباحث انسان‌شناسی، مسئله جایگاه «عمل» در وجود انسان و نقش آن در رسیدن او به کمال است. از نظر ملاصدرا، هر عملی که انسان انجام می‌دهد، حقیقت آن در درون نفس او شکل می‌گیرد؛ بدین‌صورت که افکار و اعتقادات منشأ پیدایش گرایش‌ها و احساسات در انسان می‌گردد و وجود گرایش‌ها و عواطف باعث ایجاد عزم و اراده بر انجام عمل می‌شود.

انجام عمل است در نزد عقل نظری نفی می‌کند. در دیدگاه ملاصدرا، آراء کلی همواره کار عقل نظری است چه درباره امور عملی و چه غیر عملی، ولی رأی جزئی در حوزه امور عملی کار عقل عملی است که منتهی به انجام فعل مذکور می‌شود و رأی‌های جزئی دیگر باز در قلمرو عقل نظری می‌ماند» (جوادی، ۱۳۸۵: ۳۶). در نگاه ملاصدرا، عقل عهده‌دار عامل بودن انسان است. ایشان در حکمت متعالیه به این امر اشاره می‌کند «میل و شوق شدیدی که از عقل عملی منشأ می‌گیرد اراده نامیده می‌شود» (ملاصدرا، ۱۴۲۸: ۲۴۰).

مبدأ میلی

از نظر ملاصدرا، قوه برانگیزاننده‌ای که خود برانگیخته از قوای مدرکه است شوقیه نامیده می‌شود. قوه شوقیه قوه‌ای است که هنگام ترسیم صورتی مطلوب یا منفور در خیال، قوه فاعله را به تحریک و می‌دارد و سبب می‌شود قوه فاعله، ابزار حرکتی انسان را به حرکت درآورد.^۳

ملاصدرا معتقد است قوای نباتی عبارتند از غاذیه و نامیه و مولده که کار تغذیه، رشد و نمو و ... را برعهده دارد. قوای نفس در مرتبه حیوانی شامل قوه محرکه و مدرکه است و قوه محرکه خود بر دو بعد تقسیم می‌شود: باعثه و فاعله است. نحوه عملکرد قوه باعثه این‌گونه است که ابتدا صورت مطلوب یا مهروب دو قوه مدرکه و قوه خیال مرتسم می‌شود و همین صورت خیالی، فاعل را تحریک می‌کند تا اعضاء و جوارح و اعصاب را به حرکت وادارد. پس ابتدا قوه خیال است که قوه شوقیه را تحریک می‌کند، سپس قوه شوقیه، انگیزه فعل را در فاعل ایجاد می‌کند تا قوه محرکه فاعلی را وادار به کار کند. از نظر ملاصدرا، قوه محرکه باعثه همان قوه شوقیه است که موجب انگیزه حرکت و فعل می‌شود و یا همان علت غایی بر حرکات و افعال انسانی است که میان علل اربعه، مهمترین علت است و موجب فعلیت و تکمیل‌کننده علت فاعلی است.^۴

از نظر یزدانی و همکاران «قوه‌ی شوقیه (باعثه) قوه‌ای است که انگیزه‌ی حرکت را ایجاد می‌کند. این قوه با قوه‌ی متخیله همکاری نزدیک دارد، هرگاه صورت شیء مطلوب یا منفور در قوه‌ی خیالی نقش

افعال انسان ایفا کند. رفیعی آتانی (۱۳۸۶) در این‌باره می‌گوید «وجود دارای سه مرتبه اصلی است: مرتبه عقلی، مرتبه خیالی و مرتبه طبیعی که هر سه باهم مرتبطند. همه این سه مرتبه در انسان منعکس شده‌اند. در چهارچوب حکمت صدرایی، انسان دارای هر سه سطح وجودی است. به باور ملاصدرا، نفس دارای مراتب طولی متعددی است که هر یک کامل‌تر از مرتبه مادون خود است. مرتبه عالی نفس، همان مرتبه عقلانی است که به اعتبار آن، نفس، مدرک حقیقی مفهیم کلی و معقولات به شمار می‌آید. مرتبه متوسط آن، مرتبه خیالی است که ادراک صور خیالی از سوی نفس به اعتبار این مرتبه انجام می‌پذیرد و در انتها، مرتبه نازل حسی و طبیعی نفس قرار دارد» (رفیعی آتانی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۱).

در آرای ملاصدرا عقل دارای دو قوه عالمه و عامله است. قوه عالمه مشتمل بر تصورات و تصدیقات است و حق و باطل را درباره آنچه تعقل می‌کند تشخیص می‌دهد. قوه عامله صناعات مربوط به انسان را استنباط کرده و به تأمل در امور جزئی و درنگ درباره آنچه سزاوار فعل و ترک است می‌پردازد^۱ (ملاصدرا، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۹۹) ملاصدرا در تعبیری دیگر در مورد عقل نظری و عقل عملی معتقد است «حکم کلی نزد عقل نظری است و حکم جزئی نزد عقل عملی است و این حکم زمینه عمل را فراهم می‌کند» (ملاصدرا، ۱۳۶۲، ص ۲۰۰). ایشان درباره نسبت عقل نظری و عقل عملی معتقد است «عقل عملی، خادم عقل نظری است» (ملاصدرا، ۱۳۶۲، ص ۲۰۰).

ابراهیمی دینانی نیز در رابطه با این دیدگاه ملاصدرا می‌گوید: «در نظر ملاصدرا، اگر نظر نبود عمل هم معنا نمی‌داشت. عمل وقتی عمل است که پشتوانه نظری داشته باشد» (ابراهیمی دینانی، ۱۳۸۷، ص ۳۵)

ملاصدرا نقش عقل عملی را خدمتگزاری عقل نظری می‌داند. در نظر ایشان، احتمالاً مراد این است که درک کلی تنها از رهگذر انضمام رأی جزئی که کار عقل عملی است می‌تواند به صورت فعلی درآید. از نظر ایشان، در امور عملی درک کلی، شأن و وظیفه عقل نظری است ولی رأی جزئی که آن درک کلی را به مرحله عمل می‌رساند کار عقل عملی است.^۲ جوادی در این ارتباط معتقد است «ملاصدرا فقط رأی جزئی در حوزه امور عملی را که زمینه اعدادی

۲. و هذه القوه خادمه للنظرية مستخدمه -بها في كثير من الامور و يكون الراي الكلي عند النظري و الراي الجزئي عند العملي المعد نحو المعمول.

۳. و ان كان لابد از كل حركة اختيارية منبعثه عن قوه شوقیه هی قبل القوه المباشرة من احدهما للتحريك و الشوق (ملاصدرا، بی تا، ص ۲۵۳)

۴. اما محرکه بانها باعثه علي الحركة و اما محرکه بانها فاعله و معني الباعثه انها عله غائبه و هي اشرف العلل الاربع كما علمت و تلك (ملاصدرا، ۱۳۸۱، ج ۸: ۵۴)

۱. فهي في الانسان كمال اول لجسم طبيعي آلي ذي حياه بالقوه من جهة ما يدرك الامور الكليه و يفعل الاعمال الفكرية فلها باعتبار ما يخصها من القبول عما فوقها و الفعل دونها قوتان علامه و عماله فبالاولي تدرک التصورات و التصديقات و يعتقد الحق و الباطل فيما يعقل و يدرك و يسمي بالعقل النظري و بالتانيه يستنبط الصناعات الانسانيه و يعتقد الجميل و القبيح فيما يفعل و يترك (ملاصدرا، ۱۳۶۶، ص ۱۹۹)

مبادی فعل اختیاری رابطه ضرورت برقرار است. از نگاه وی، با تحقق اراده، وجود فعل خارجی ضرورت دارد و با تحقق شوق، وجود اراده ضروری است و با تحقق علم، وجود شوق لازم است و چون علم ممکن‌الوجود است به علل خارجی برمی‌گردد.^۳ بر این مبنای صدرای در نظریات خود، جبری بودن اراده و نیز جبری بودن افعال ارادی انسان را پذیرفته است. او سعی دارد تا از طریق فاعل بالتسخیر و نیز توحید افعالی این مفهوم را تبیین نماید که جبر با اختیار و اراده سازواری دارد و افعال انسان از آن جهت که جبری هستند اختیاری نیز می‌تواند باشد.^۴

بر این اساس از نگاه ملاصدرا ملاک اینکه فعلی ارادی باشد آن است که علمی باشد. ملاک در اینکه این فعل ارادی است و از روی علم فاعل صادر شده، این است که فعلی از فاعلی صادر شود که فاعل نسبت به صدور آن فعل از او علم داشته باشد و به عبارت دیگر، علم به آن داشته باشد که فاعل آن فعل است. چنین فعلی از علم فاعل صادر شده است. ملاصدرا این تحلیل را از ابن‌سینا اخذ کرده است (دارابی و کرمانی، ۱۳۹۵) این نظر ملاصدرا در شرح اصول کافی و اسفار اربعه جلد ششم به صورت مفصل بحث شده است.^۵

همچنین در تعبیر دیگری، اراده‌ی انسان به شوق مؤکد تعبیر شده است. ایشان در کتاب شواهد الربوبیه به این نکته اشاره شده است و اراده انسانی را همان شوق مؤکد تعبیر می‌نماید: «اراده در ما، شوق متأكدی است که در عقب داعی حاصل می‌شود، آن داعی تصور چیزی است که ملائم به تصور علمی یا ظنی یا تخیلی که موجب تحریک اعضاء آلیه گردد برای تحصیل آن چیز.»^۶

همچنین برحسب دیدگاه ملاصدرا، پرورش اراده به منزله‌ی امری عقلی است که در آثار مختلف وی تعیین یافته است از جمله در اثر مبدأ و معاد ایشان به این امر اشاره شده است: «پس خداوند متعال داعی دیگری برای تو خلق کرد که اراده نامیده می‌شود و این اراده ذیل اشاره‌ی عقل قرار دارد، عقلی که شناسنده عواقب کنش‌هاست.»

بند، این صورت خیالی موجب می‌شود که قوه‌ی محرکه به کار افتد و تحریک کند» (یزدانی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۳۱)

از نگاه ملاصدرا، قوه شوقیه دارای دو بخش است:

۱- قوه‌ی شهویه: بعد از تخیل، این قوه منشأ تحریک نفس برای نزدیک شدن به اموری می‌گردد که برای بقای بدن ضروری یا مفید است.

۲- قوه‌ی غضبیه: پس از تخیل اموری که برایش زبان‌آور است، این قوه منشأ ایجاد حرکت برای نفع آنها از نفس می‌گردد (اسفار، ج ۸، صص ۵۴-۵۵)

مبدأ ارادی

ملاصدرا اراده را آخرین جزء علت تامه و عامل ضرورت بخش فعل می‌داند که به محض تحقق آن در نفس، وجود مراد ضروری می‌شود.^۱ این مسئله از آنجا ناشی می‌شود که ملاصدرا بر ضرورت علی و معلولی تأکید فراوانی دارد و این قانون را حاکم بر تمام جهان هستی می‌داند به گونه‌ای که هیچ چیز بدون علت رخ نمی‌دهد و تنها قانون علیت است که جهان را استوار ساخته است و بر این اساس از نظر ملاصدرا اراده، علت تحقق فعل است و به محض حصول اراده، فعل ضروری‌الوجود می‌شود. این تعریفی است که ملاصدرا از اراده انسان ارائه می‌کند.

با توجه به مبانی ملاصدرا در باب مفاهیم، می‌توان نتیجه گرفت مفهوم اراده جزء مفاهیم منطقی نیست زیرا ریشه در عالم خارج دارد (ملاصدرا، ۱۳۸۱: ۳۳۴) زیرا از نظر ملاصدرا براساس ضرورت علی، میان مبادی فعل اختیاری رابطه ضرورت برقرار است. از نگاه وی، با تحقق اراده، وجود فعل خارجی ضرورت دارد و با تحقق شوق، وجود اراده ضروری است و با تحقق علم، وجود شوق لازم است و چون علم ممکن‌الوجود است به علل خارجی برمی‌گردد.^۲ بر این اساس، از نظر ملاصدرا براساس ضرورت علی، میان

۱. و هی فینا من کیفیات النفسانیة و مصححه للفعل و ترکه و قوه علی الشی و ضده و تعلقها بالطرفین علی السویه فلا یکون فینا تامه اذ مبادی افعالنا الاختیاریه وارده علینا من خارج کالتصدیق بترتیب الفائدة او ما فی حکمه من الظن و التخیل و کالشوق و الاجماع المسمی بالاراده و الکراهه (ملاصدرا، ۱۳۵۴، ص ۱۳۰)

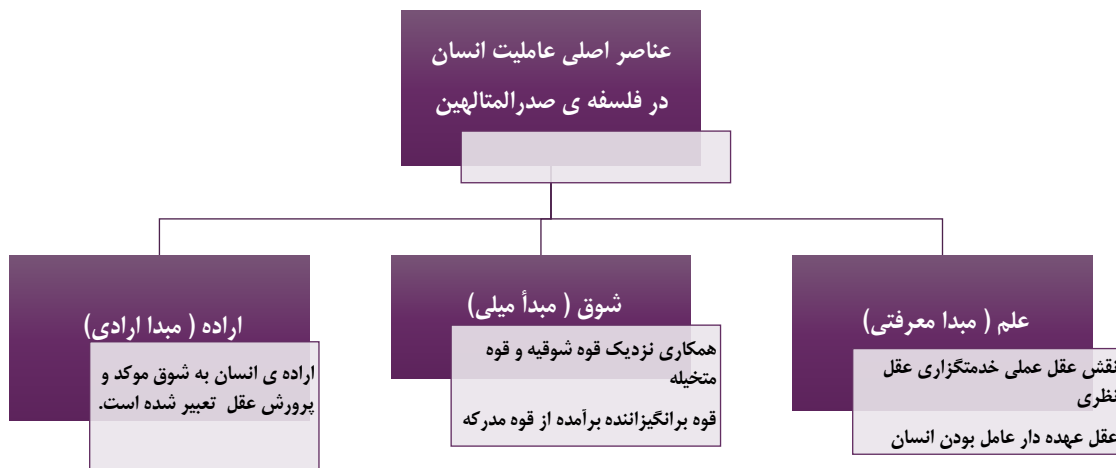
۲. و هی فینا من کیفیات النفسانیة و مصححه للفعل و ترکه و قوه علی الشی و ضده و تعلقها بالطرفین علی السویه فلا یکون فینا تامه اذ مبادی افعالنا الاختیاریه وارده علینا من خارج کالتصدیق بترتیب الفائدة او ما فی حکمه من الظن و التخیل و کالشوق و الاجماع المسمی بالاراده و الکراهه (المبدأ و المعاد، ص ۱۳۰)

۳. و الفرق بین الامرین بانا لکوننا ناقصین فی افعالنا الاختیاریه الی انبعث شوق و استخدام قوه محرکه و استعمال آله تحریکیه من العضلات و الرباطات و غیرها ثم الی اتقیاده ماده

۴. بل ان اختیار الانسان عین اضطراره و جبره عین تقویضه فهو مضطر فی عین الاختیار و مختار فی عین الجبر (ملاصدرا، ۱۳۶۱، ج ۲: ۲۶۳)

۵. فخلق الله تعالی لک داعیه اخری تسمى بالاراده و هی مسخره تحت اشاره العقل المعرف للعواقب (ملاصدرا، ۱۳۵۴، ص ۲۱۴)

۶. الاراده فینا شوق متأكد يحصل عقیب داع هو تصور الشی الملائم تصوراً علمياً او ظنیاً او تخیلاً موجب لتحریک الاعضاء اللالیة لاجل تحصیل ذلک الشیء (ملاصدرا، ۱۳۶۱، ص ۶۵۱)



نمودار شماره ۱. بررسی عناصر عاملیت انسان در فلسفه ی صدرالمتهلین

برخلاف میل او است. مانند کسی که سر سفره‌ای نشسته است اما رژیم غذایی دارد با وجودی که میل به خوردن غذا دارد اما از خوردن آن ممانعت می‌کند» (مطهری، ۱۳۶۲، ص ۵۴)

باقری (۱۳۹۹) نیز در تبیین دیدگاه ملاصدرا در باب فروکاستن اراده به شوق شدید معتقد است: «در الگوی دیگری از دیدگاه ملاصدرا، عنصر اراده به صراحت بر دو عنصر آگاهی و شوق افزوده شده، اما اراده در اینجا تفاوتی کیفی با شوق ندارد بلکه تفاوت کمی با آن دارد زیرا ملاصدرا اراده را به معنای شوق شدید در نظر می‌گیرد. این نظر ملاصدرا با الگوی ارسطویی به عنوان مرجع فکری او همسویی دارد چنان که در ارسطو نیز اراده را به معنای محرک درونی می‌داند و چون قوه شوقیه حیوان از درون او را تحریک به عمل می‌کند، نشان دادن ارادی بودن آن نیاز به تفکیک عنصری به نام اراده ندارد. یعنی ارادی بودن یک عمل، همانا آگاهانه بودن آن و ملایمت آن با طبع است» (باقری، ۱۳۹۹: ۵۸۹).

برحسب دیدگاه ملاصدرا اگر اراده به شوق مؤکد فروکاسته شده است پس افزودن قوه‌ای بنام اراده به عنوان یکی از مبادی عمل چه ضرورتی دارد؟ در دیدگاه ملاصدرا به مبدأ ارادی انسان به عنوان یک مبدأ مستقل جهت کارکرد متمایز خود اشاره نشده است درحالی که در نظریه اسلامی عمل، این مبدأ به عنوان یکی از مبادی مهم فعل انسان در نظر گرفته شده است. در این ارتباط، سجادیه و مدنی‌فر (۱۳۹۳) معتقدند: «مبادی سه‌گانه عمل، دارای استقلال نسبی‌اند و قابل فروکاهش به یکدیگر نیستند».

بررسی انتقادی عاملیت انسان در فلسفه‌ی صدرالمتهلین بر مبنای نظریه اسلامی عمل عاملیت انسان در فلسفه‌ی صدرالمتهلین بی‌چند و چون نیست که به مهمترین مواضع ملاصدرا و نقدها اشاره می‌شود.

فروکاهش اراده به شوق مؤکد

علامه طباطبایی در رد دیدگاه ملاصدرا، بر تفاوت اراده با شوق اشاره می‌نماید و اراده در انسان را حالتی غیر از شوق می‌داند. علامه طباطبایی در این باره می‌گوید: «اراده، کیف نفسانی جداگانه‌ای است و نباید آن را با علم به میل و شوق به آنچه خیر است یکی دانست» (طباطبایی، ۱۴۱۶، ص ۲۹۷) از نظر علامه طباطبایی، اراده‌ی انسان حالتی متفاوت از شوق و شوق آکید است، لذا یکی از نشانه‌های مغایرت شوق و اراده آن است که گاهی در انسان، شوق آکید به انجام عملی پدید می‌آید اما اراده‌ی انجام آن فعل ممکن است حاصل نشود. مانند حالتی که ممکن است برای فرد پرهیزگار صورت گیرد و در نفس وی شوق مؤکد برای انجام برخی محرکات ایجاد شود اما هرگز فعل حرام را اراده نکند و به انجام آن عمل مبادرت نرزد.

شهید مطهری به عنوان دیگر اندیشمند مسلمان در تقابل با دیدگاه ملاصدرا می‌گوید: «میان میل و اراده تفاوت‌هایی وجود دارد. میل یک کشش و جاذبه است که انسان را به سوی عامل خارجی سوق می‌دهد مانند میل به جنس مخالف اما اراده حالتی است که به درون انسان ارتباط دارد نه بیرون، نکته‌ی دیگری که ایشان تصریح می‌کند در برخی اوقات انسان مبادرت به کاری می‌کند که

فروکاهش اراده به تأمل

با توجه به ابهامات و تناقض‌هایی که در آثار مختلف ملاصدرا و یا برخی مفسران و نگارندگان در باب اراده انسان وجود دارد آنچه مبرهن است در آثار ملاصدرا، در برخی مواضع وی، یک نوع هویت عقلی و غیرانتخابی اراده هویدا است. عقل در این دیدگاه، عامل‌بودن انسانی را به‌دنبال خود دارد. از نظر ملاصدرا، همه کارهای خوب و بدی که به اقتضائات ملکات نفسانی و یا به غیر آن از انسان سرمی‌زنند، آثار و تبعات آنها همه از عقل عملی ناشی می‌شوند.^۱ در این عبارت با توجه به اینکه در آموزه‌های اسلامی، اعمال و افعال انسان از مسیر اراده و انتخاب انسان صادر می‌شود اما در دیدگاه ملاصدرا، مسیر صادر شدن افعال انسان از جاده عقل عملی است.

لذا یکی از انتقادات وارده بر عاملیت انسان در دیدگاه ملاصدرا این است اراده‌ی انسان به تأمل فروکاهش می‌یابد و نیروی اراده با جواز عقل عملی برانگیخته می‌شود. آنچه مبرهن است در آثار ملاصدرا، در برخی مواضع وی، یک نوع هویت عقلی و غیرانتخابی اراده هویدا است. عقل در این دیدگاه، عامل‌بودن انسانی را به‌دنبال خود دارد.

با توجه به آنچه در این موضع اشاره گردید این دیدگاه قابلیت بررسی انتقادی دارد. نظر به اینکه در مبادی عاملیت انسان، اراده‌ی انسان از مبدأ معرفتی نشأت می‌گیرد اما لزوماً بدین معنا نیست که اراده به معنای فروکاستن به عقل عملی و تأمل باشد زیرا ماهیت اراده متفاوت از علم است. از نظر علامه طباطبایی (ره) «علم به غیر از اراده است، حیثیت علم، کاشفیت است اما حیث اراده، حیثیت منشأیت آثار است» (طباطبایی، ۱۳۸۸ به نقل از امینی مشهدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۲).

باقری در ارتباط تفاوت اراده با شناخت تصریح می‌کند: «لازم بودن عقل برای اراده و اختیار، به معنای آن نیست که عقل برای آن لازم و کافی باشد. اینجاست که باید گفت اراده با تأمل عقلانی نیز یکی نیست، هرچند بدون تأمل عقلانی از اراده نمی‌توان سخن گفت. پس از تأمل لازم است فرد نسبت به طرفی که رجحان یافته بذل همت و کوشش کند. این نشانگر آن است که عنصر دیگری در اراده و اختیار وجود دارد و آن اهتمام و تلاش فرد برای انجام عمل است. از این‌رو، در آیه ۱۹ سوره اسرا بعد از اراده‌ورزی فرد، سخن از سعی و تلاش انسان در مسیر آن به میان آمده است و این

تلاش می‌تواند تلاشی نتیجه‌بخش تلقی شود «و هر کس خواهان آخرت است و نهایت کوشش را برای آن انجام دهد و مومن باشد آن‌اند که تلاش آنها مورد حق‌شناسی واقع خواهد شد» (باقری، ۱۳۹۹، ص ۲۰۴).

لذا می‌بینیم در این دیدگاه، اراده‌ی انسان تحویل به عقل عملی می‌شود و اراده به جای اینکه مبدأ مستقل با عملکرد خاص خود باشد جنبه معرفتی پیدا می‌کند در صورتی که شناسایی هویت اراده، به عنوان فصل ممیز و نیروی آزاد، باید بتواند به‌رغم معرفت و شناخت و وجود امیال و شوق اکید، بتواند به نحو استقلالی عمل کند و به انتخاب و گزینش دست یابد. اراده متضمن انتخاب و تلاش در راهی است که برگزیده و انتخاب شده است، لذا نمی‌توان اراده را همسنگ و همردیف میل شدید یا حتی شناخت در نظر گرفت.

صوری بودن اراده

سومین نقد، ناظر به صوری بودن اراده در دیدگاه ملاصدرا است. این نقد را با توجه به استنادات ایشان در آثار مختلف وی می‌توان پی‌جویی کرد.

ملاصدرا اراده را آخرین جزء علت تامه و عامل ضرورت‌بخش فعل می‌داند که به محض تحقق آن در نفس، وجود مراد ضروری می‌شود. این مسئله از آنجا ناشی می‌شود که ملاصدرا بر ضرورت علی و معلولی تأکید فراوانی دارد و این قانون را حاکم بر تمام جهان هستی می‌داند، به‌گونه‌ای که هیچ چیز بدون علت رخ نمی‌دهد و تنها قانون علیت است که جهان را استوار ساخته است و بر این اساس از نظر ملاصدرا اراده، علت تحقق فعل است و به محض حصول اراده، فعل ضروری‌الوجود می‌شود. این تعریفی است که ملاصدرا از اراده انسان ارائه می‌کند.

همچنین به نظر ایشان، فاعلیت انسان نسبت به اراده، فاعلیت بالتجلی است و علم اجمالی در عین کشف تفصیل، علت تامه برای اراده اوست (ملاصدرا، ۱۳۸۶: ۵۲۸) و ملاصدرا، اراده الهی را از صفات ذات و مساوق با علم به نظام اصلح می‌داند. محور نظریه ملاصدرا درباره ماهیت اراده الهی، علم است. به عبارت دیگر، اگر این صفت الهی به درستی تجزیه و تحلیل شود هسته مرکزی آن را «علم الهی» تشکیل می‌دهد. ملاصدرا نظام اکمل مکانی را تابع نظام واجب حق و نظام واجب حق را عین علم و اراده حق می‌داند و می‌گوید: «علم مبدأ به فیضان اشیاء از او که عین ذات اوست

۱. و لها الجریزه و الغاوه و الحکمه العلمیه المتوسطه بینهما و بالجمله جمیع الافعال الانسانیه (شفاء، ص ۳۹-۳۷)

۲. و من اراد الاخره و سعی لها سعیها و هو مومن فالولنک کان سعیهم مشکورا (اسرا/۱۹)

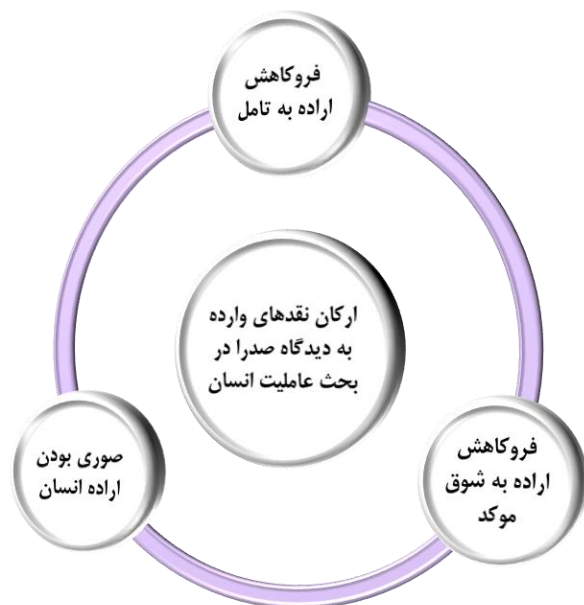
افعالی این مفهوم را تبیین نماید که جبر با اختیار و اراده سازواری دارد و افعال انسان از آن جهت که جبری هستند اختیاری نیز می‌تواند باشد.^۱ لذا بر مبنای دیدگاه ملاصدرا، شاهد یک تبیین مکانیستی هستیم. این دیدگاه در عبارت خود وی، تعین یافته است «اگر حقیقتاً بنگری خواهی دید فاعلی که اختیار محض دارد تنها باری تعالی است و غیر او، در آنچه انجام می‌دهند تحت تسخیر او هستند چه مختار باشند یا مجبور، زیرا بسیاری از فاعل‌ها در عین اختیارشان مجبور هستند»^۲ (اسفار، ج ۳: ۱۴).

باقری (۱۳۹۹) به نقل از ملاصدرا (۱۳۸۳) معتقد است: «در تحلیل نهایی، همه اعمال آدمی، از روی اضطرار است: «کار یک فرد، کار اوست، نه دیگری، اما ضروری بودن آن، بر حسب توجه به سبب‌های دور فرادست و سبب‌های نزدیک فرودست آن کار است و امکانی بودن آن، بر حسب وجود خود فرد و قدرت و علم وی است و از این‌رو، برخی از حکیمان گفته‌اند که انسان موجودی ناگزیر (و مجبور) است اما به شکل موجود صاحب اختیار»^۳ (باقری ۱۳۹۹) به نقل از ملاصدرا، ۱۳۸۳، ج ۲: ۳۱۰) ایشان اجبار و اضطرار را در عین اختیار انسان می‌پذیرد که این نشان از صوری بودن اراده‌ی انسان است.

همان اراده اوست و ماهیت اراده الهی همان علم به نظام احسن و اصلح است که تابع علم به ذات اوست و علم به ذات، انگیزه افاده خیر و وجود است» (اسفار اربعه، ج ۶: ۳۴۳). با توجه به این دیدگاه می‌توان گفت از نگاه ملاصدرا، حقیقت علم و اراده از نظر مفهومی متغایر ولی از نظر واقعیت، یکسان و متحد است.

با عنایت به آنچه ذکر شد یک نکته اساسی در دیدگاه ملاصدرا مغفول مانده است از جمله اینکه واقعیت علم و اراده را نمی‌توان یکسان در نظر گرفت چون واقعیت علم از ویژگی واقع‌نمایی و کاشفیت برخوردار است اما واقعیت اراده توجه به فعل به قصد ایجاد و انجام آن است. علامه طباطبایی (ره) در فصل ۱۴ کتاب نه‌ایة الحکمه معتقد است «خدا از هر پدیده‌ای با خصوصیات و ویژگی‌هایی که دارد، آگاه است. او از افعال اختیاری انسان با همین ویژگی (اختیاری بودن) از ازل آگاه است و در این صورت ممکن نیست افعال اختیاری انسان به صورت غیر اختیاری انجام شود» (زیرا لازمه آن انقلاب در علم خدا بوده و علم او واقع‌نما نخواهد بود).

ملاصدرا که در نظریات خود، اضطراری بودن افعال ارادی انسان را پذیرفته است. او سعی دارد تا از طریق فاعل بالتسخیر و نیز توحید



نمودار شماره ۲. مهمترین نقدهای وارده بر عاملیت انسان در دیدگاه ملاصدرا

۳. ان الفعل ثابت للعبد لا غیر لکن ایجابہ بالقیاس الی ملاحظه الاسباب البعیده العالیه و القریبه السافله و امکانه بالقیاس الی وجود العبد و قدرته و علمه و لعدا قال بعض الحکما ان الانسان لمضطر فی صورته المختار

۱. بل ان اختیار الانسان عین اضطراره و جبره عین تقویضه فهو مضطر فی عین الاختیار و مختار فی عین الجبر (تفسیر القرآن، ج ۲: ۲۶۳)

۲. و لو نظرت حق النظر لم تجد فاعلا بالاختیار المحض الا الباری جل ذکره و غیره مسخرون له فیما یفعلونه سوا کانتوا مختارین او مجبورین فان کثیرا من الفاعلین مجبورون عین اختیارهم

بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، ابعاد عاملیت انسان از منظر صدرالمتألهین مورد واکاوی قرار گرفت. به نظر می‌رسد فرایند صدور عمل از منظر ملاصدرا همچون فیلسوفان مختلف از مبادی معینی شروع و با طی نمودن مراحل مختلفی به عمل منتهی گردد. ملاصدرا در آثار مختلف خود، فرایند عمل را در تعبیرهای مختلف و متفاوتی بیان نموده است و به یک نحو بیان نشده است اما اگر بخواهیم یک مدل مفهومی و ادغامی در باب عاملیت انسان در دیدگاه ملاصدرا اشاره کنیم می‌توان از سه مبدأ معرفتی، میلی و ارادی نام برد.

ملاصدرا متناسب با قوای باطنی نفس در مبدأ معرفتی یا شناختی عاملیت انسان، مراتب مختلفی برای ادراک انسان قائل شده است از جمله (حس، خیال، وهم، عقل) که می‌تواند نقش خاص خود را در دایره افعال و اعمال انسان ایفا کند.

براساس دیدگاه ملاصدرا، ادراک عقلی از مبادی اقرب در مبدأ معرفتی است. در آرای ملاصدرا، عقل دارای دو قوه عالمه (نظر) و عامله (عمل) است. قوه عالمه مشتمل بر تصورات و تصدیقات است و حق و باطل را درباره آنچه تعقل می‌کند تشخیص و تمیز می‌دهد. قوه عامله، صناعات مربوط به انسان را استنباط کرده و به تأمل در امور جزئی و درنگ درباره آنچه سزاوار فعل و ترک است می‌پردازد. ملاصدرا در باب مقایسه نظر و عمل در عاملیت انسان، نظر (علم) را با فضیلت‌تر از عمل می‌داند. از نظر ایشان، نقش عقل عملی در رشد و تکامل انسانی از نوع ایجاد زمینه و جلوگیری از ممانعت بدن است و کمال عقل عملی، کمال واقعی انسان نیست بلکه تنها وسیله‌ای برای احراز آن و مقدمه وصول به آن است. معیار ملاصدرا بر اینکه علم نسبت به اعمال ارجحیت است به نظر ایشان در خصوص رابطه غایی و علت فاعلی بازمی‌گردد. به نظر ملاصدرا، در حیوانات افعال از معرفت شریف‌تر است اما در انسان، ادراک برتر از عمل است زیرا معرفت، غایت حرکت ارادی است. در انسان، نیاز به حرکات اختیاری و اعمال ارادی برای آن است که انسان به علوم عقلی منتزع از حسیات دست یابد. بنابراین ادراک در انسان، افضل از حرکت است چراکه معرفت، غایت حرکت است.

دومین مبدأ عاملیت انسان در دیدگاه ملاصدرا به مبدأ میلی اختصاص دارد. از نظر ملاصدرا، قوه برانگیزاننده‌ای که خود برانگیخته از قوای مدرکه است شوقیه نامیده می‌شود. قوه شوقیه قوه‌ای است که هنگام ترسیم صورتی مطلوب یا منفور در خیال، قوه فاعله را به تحریک وامی‌دارد و سبب می‌شود. قوه فاعله، ابزار حرکتی انسان را به حرکت درآورد. از نظر ملاصدرا، قوه محرکه باعث همان قوه شوقیه است که موجب انگیزه حرکت و فعل می‌شود

و یا همان علت غایی بر حرکات و افعال انسانی است که میان علل اربعه، مهمترین علت است و موجب فعلیت و تکمیل‌کننده علت فاعلی است. همچنین ملاصدرا در برخی مواضع خود در مبدأ میلی، اراده را برابر با شوق شدید تلقی می‌کند. لذا تفاوت در اراده و شوق تفاوت در کمیت و درجه آن است نه تفاوت در نوع، لذا به عینه می‌بینم اراده را همان شوق مؤکد در نظر گرفته است.

سومین مبدأ عاملیت انسان، به مبدأ ارادی تعلق دارد. ایشان اراده را آخرین جزء علت تامه و عامل ضرورت‌بخش فعل می‌داند که به محض تحقق آن در نفس، وجود مراد ضروری می‌شود. از نظر ملاصدرا، قانون علیت را حاکم بر تمام جهان هستی می‌داند به گونه‌ای که هیچ چیز بدون علت رخ نمی‌دهد و تنها این قانون است که جهان را استوار ساخته است و بر این اساس از نظر ملاصدرا اراده، علت تحقق فعل است و به محض حصول اراده، فعل ضروری الوجود می‌شود. این تعریفی است که ملاصدرا از اراده انسان ارائه می‌کند. در دیدگاه ملاصدرا شاهد تأثیر رویکرد علی برای تبیین عمل هستیم. لذا در این دیدگاه رفتار انسان با جمادات از حیث اینکه به قوانین علی محکوم هستند اجتناب‌ناپذیر است. با عنایت به اینکه صدرا در چپش مؤلفه‌های عاملیت انسان از ارسطو تبعیت کرده است لذا باور صدرا در باب قاطعیت روابط علی در عرصه عمل انسان از باور ارسطو نیز فراتر رفته است. براساس دیدگاه ملاصدرا، فاعلیت و عاملیت انسان تابع علل خارجی است که به خداوند منتهی می‌شود لذا عاملیت انسان بر معنای واقعی و اصیل اراده تام انسان صورت نمی‌گیرد زیرا اراده و عمل او در نهایت به علل خارج از اختیار انسان منتهی می‌شود و به دلیل تحقق این علل و براساس رابطه علیت با تحقق علت تامه، تحقق معلول نیز ضرورت پیدا خواهد کرد.

با توجه به آنچه در ابعاد عاملیت انسان در دیدگاه ملاصدرا مورد بررسی قرار گرفت عاملیت انسان در دیدگاه ملاصدرا چالش برانگیز است که از منظر انتقادی مورد بررسی قرار گرفت. از جمله نکات انتقادی می‌توان به این موارد اشاره کرد: فروکاهش اراده به شوق مؤکد، فروکاهش اراده به تأمل، صوری بودن اراده.

منابع

قرآن کریم

صدرالدین شیرازی، محمد (۱۳۶۱) تفسیر القرآن الکریم، تصحیح محمد خواجوی، قم: انتشارات بیدار.

صدرالدین شیرازی، محمد (۱۳۷۴) مفاتیح الغیب، شرح محمد بن حمزه الفناری، به تصحیح محمد خواجوی، تهران: مولى.

صدرالدین شیرازی، محمد (۱۳۸۳) شرح اصول کافی، ۴ جلد، تصحیح محمد خواجوی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

صدرالدین شیرازی، محمد (۱۳۶۲) سه رساله ملاصدرا، تعلیق و تصحیح جلال‌الدین آشتیانی، قم: تبلیغات اسلامی.

طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴) نه‌ایه الحکمه، ترجمه و شرح علی شیروانی، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

ضرغامی سعید، سجادیه نرگس، قائدی یحیی (۱۳۹۱) بازان‌دیشی مفهومی پرورش تفکر همچون بستر فرهنگی تحول نظام آموزشی بر بنیاد نظریه انسان به منزله عامل، راهبرد فرهنگ، شماره ۱۷ و ۱۸.

کوهی گیگلو، توکل (۱۳۹۲). بررسی انتقادی دیدگاه ملاصدرا در تبیین سازگاری علم پیشین الهی و اختیار انسان. صص ۹۷-۱۱۶.

کومیز جerald آر، دنیلز، لو روی بی (۱۳۸۸). پژوهش فلسفی: تحلیل مفهومی. ترجمه خسرو باقری، در کتاب روش شناسی مطالعات برنامه درسی، ترجمه مهرمحمدی و همکاران. تهران: انتشارات سمت.

مطهری، مرتضی (۱۳۶۲). فلسفه اخلاق، تهران: بنیاد ۱۵ خرداد.

وجدانی، فاطمه؛ ایمانی، محسن؛ صادق‌زاده قمصری، علیرضا (۱۳۹۳) چگونگی تحول در نظام رایج تربیت اخلاقی مدارس جهت کاهش شکاف میان معرفت و عمل بر مبنای دیدگاه علامه طباطبایی، مجله پژوهش‌نامه تعلیم و تربیت، سال ۴، شماره ۱.

احمدآبادی آرانی، نجمه (۱۴۰۰) بررسی انتقادی و بازسازی عاملیت انسان و اصول تربیتی منتج از آن در فلسفه صدرالمطالیهین بر مبنای نظریه اسلامی عمل، رساله دکتری دانشگاه پیام نور تهران جنوب.

ایروانی، شهین (۱۳۸۸) رابطه نظریه و عمل در تعلیم و تربیت، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

باقری، خسرو (۱۳۷۸) بررسی مفروضات فلسفی روانشناسی شناختی براساس فلسفه صدرایی، مجله روان‌شناسی، سال ۳، شماره ۳.

باقری، خسرو (۱۳۹۰) هویت علم دینی، چ سوم، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.

باقری خسرو، باقری محمد زهیر (۱۳۹۰) نگاهی انتقادی به رویکرد فیض محور در فلسفه اسلامی و پیامدهای آن در تعلیم و تربیت، پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت، شماره ۱، صص ۲۴-۵.

باقری، خسرو (۱۳۹۲) آموزاندن «به» و آموختن «از»: تحول در آموزش و پرورش در پرتو عاملیت و تعامل، پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت، سال ۳، شماره ۲، صص ۱۶-۵.

باقری، خسرو (۱۳۹۹) عاملیت انسان رویکردی دینی و فلسفی، تهران: نشر واکاوش.

دارائی روح‌الله، کرمانی طوبی (۱۳۹۴) خوانشی انتقادی از نسبت خیال و عمل؛ اندیشه صدرایی در برابر فلسفه مدرن، خردنامه صدرا، ۸۳، ۶۰-۳۷.

سجادیه نرگس، مدنی‌فر، فاطمه (۱۳۹۳) اخلاق تدریس از منظر نظریه اسلامی عمل، چهارمین همایش ملی اخلاق با موضوع اخلاق و آداب زندگی.

سلیمانی دره‌باغی، فاطمه (۱۳۹۹) جایگاه عمل در وجود انسان از نگاه ملاصدرا، خردنامه ملاصدرا، ۴ (۲۵) صدرالدین شیرازی، محمد (۱۳۶۸) *الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعه*، ۹ جلد، قم: مکتبه المصطفوی.

صدرالدین شیرازی، محمد (۱۳۶۳) اسرار الایات، ترجمه و تعلیق محمد خواجوی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

صدرالدین شیرازی، محمد (۱۳۶۶) الشواهد الربوبیه، ترجمه جواد مصلح، تهران: انتشارات سروش.

صدرالدین شیرازی، محمد (۱۳۶۱) عرشیه، تصحیح و ترجمه غلامحسین آهنی، تهران: انتشارات مولى.

صدرالدین شیرازی، محمد (۱۳۵۴) المبدأ و المعاد، با مقدمه و تصحیح سید جلال‌الدین آشتیانی، تهران: انتشارات انجمن فلسفه.